

مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغة

یا

سهم ایرانیان در نهضت فرهنگ‌نویسی به زبان عربی

دکتر محمود یزدی مطلق

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

در حوزه اسلامی، علمی که مربوط به فهم صحیح زبان عربی و درک معانی لغات و مشکلات دقایق و وجوه گوناگون آن است، قیل: علم صرف، نحو، اشتقاق، لغت و... مقدم بر بیشتر دانشها بوده است. و ایرانیان در تألیف و تدوین این دانشها به ویژه، لغت، سهمی بسزا داشته‌اند و ما در این مقاله نام چهارده تن از علمای مشهور و مسلم ایرانی را در این زمینه یاد کرده‌ایم که واسطه العقد آنها مجدالدین فیروزآبادی، صاحب کتاب قاموس، می‌باشد. همچنین تحلیلی گسترده از آثار مطبوع و مخطوط او به عمل آمده و آنچه از نسخه‌های دستنویسته فیروزآبادی که در کتابخانه‌های عالم به نظر رسیده است، نشان داده‌ایم؛ با بیان نکات قابل عنایتی از زندگانی او، که امید است پژوهشگران را مفید افتد.

بیان این‌که نهضت لغت نامه‌نویسی در اسلام تا چه اندازه مرهون تلاشهای مستمر و مُجدّانه ایرانیان می‌باشد؟ منوط به ذکر محیط و موقعیت آنان در عرصه فرهنگ و تمدن، پیش از اسلام و بعد از ظهور آیین مقدّس اسلام، به ویژه سده هشتم و نهم هجری است که نتیجتاً ما را به وادی وسیعی می‌کشاند که خروج از این وادی را مشکل بلکه در این مجال و مقال، غیرممکن می‌سازد.

لکن در این جا به حکم: ما لایدرک کله لایترک کله، می توان به طور اجمال اشاراتی داشته و خواننده محترم را به کتابهایی همچون مقدمه ابن خلدون بر کتاب العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم... که نویسنده در اواخر سده هشتم می زیسته و در حوزه تمدن اسلامی، دانش را در انحصار ایرانیان می داند و کتاب جهانگشای جوینی و حوادث الجامعه ابن فوطی و رحله ابن بطوطه و... حواله داد.

ظهور آیین مقدس اسلام و نزول قرآن به تمام پراکندگی های اجتماعی و اعتقادی اعراب خاتمه بخشید و هیچ گونه اختلاف نظری وجود نداشت، زیرا صفای باطن صحابه و تعلیمات صریح حضرت محمد (ص)، و دسترسی مسلمین به منبع وحی، مانع بروز هرگونه اختلاف بود. اما همین که پیشوای عالی قدر اسلام درگذشت، حس کینجکاوی مسلمین بیدار شده و برخورد فکری آنان با گروههای مختلف و ورود عناصر بیگانه در حوزه های اسلامی، پیروان قرآن را بر آن داشت تا راهی پیش گیرند تا اصالت کلام خدا و سنت نبوی را حفظ کنند و تعالیم عالیة اسلام را از خطرات کژاندیشی نگهدارند و قرآن کریم و حدیث نبوی (ص) را صحیح بخوانند و درست بفهمند.

لذا علومی که مربوط به فهم صحیح زبان عربی و درک معانی لغات و مشکلات و دقایق و وجوه گوناگون آن از قبیل: علم صرف، نحو، اشتقاق، لغت و... بود، مقدم بر بیشتر دانشها بوده است و ایرانیان در تألیف و تدوین این دانشها به ویژه لغت، سهمی بسزا داشته اند و ذیلاً به ذکر نام چهارده تن از علمای مشهور و مسلم ایرانی در این زمینه می پردازیم که واسطه العقد آنها مجدالدین فیروزآبادی می باشد:

۱- أبو العَمِیْثِل، عبدالله خُلید (خالد) متوفی ۲۴۰ هـ. ق؛ که در ری زاده شده و در خراسان، کاتب والی خراسان، طاهر بن حسین و آموزگان فرزندش، عبدالله بوده است.

او دارای کتابی است به نام المأثور فیما اتفق لفظه و اختلف معناه که در سال ۱۹۲۵ م در لندن منتشر شده است<sup>(۱)</sup>. و چند اثر دیگر نیز دارد.

۲- ابوالحسن عبدالرحمان بن عیسی بن حماد کاتب همدانی متوفی

۳۲۰ هـ. ق، لغوی، شاعر و ادیب که کاتب ابی بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف بوده است و مؤلف کتاب **ألفاظ الأشباه و النظائر**، که از مصادر تفلیسی در تألیف کتاب **قانون الادب** بوده است. کتاب همدانی نیز در استانبول، قاهره، بیروت و تونس چاپ شده است<sup>(۲)</sup>.

۳- عبدالرحمان بن بُزُج (بزرگ) متوفی ربع اول قرن سوم هجری؛ مؤلف کتاب **النوادر در لغت**، که از هری از آن بهره جسته است.

۴- ابو عبدالرحمان عبدالله بن محمد بن هانی نحوی نیشابوری متوفی ۲۳۶ هـ. ق؛ نویسنده کتاب **نوادر العرب و غرائب ألفاظها**، که طبق اظهار از هری کتاب بزرگی بوده است بالغ بر دو هزار برگ.

۵- ابوالمنذر نصیر بن یوسف رازی نحوی، متوفی ۲۴۰ هـ. ق؛ مؤلف کتاب **فی اللغة**، که از جمله مصادر از هری بوده است.

۶- ابوالوازع محمد بن عبدالخالق خراسانی، متوفی ۲۳۰ هـ. ق؛ عالمی لغوی و نحوی بوده است و کتاب **نوادر الأعراب = اعراب از اوست**.

۷- ابوتراب خراسانی، متوفی حدود سال ۲۷۵ هـ. ق؛ مؤلف کتاب **الاعتقاب** که فرهنگنامه‌ای بزرگ بوده است و شامل مترادفات. از هری این کتاب را ستوده است.

۸- ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان متوفی ۳۲۲ هـ. ق که از مردم ری بوده است و مؤلف کتاب **الزینة** که شامل اصطلاحات اسلامی است و چاپ شده<sup>(۳)</sup>.

۹- ابوحامد احمد بن محمد بشتی خازرنجی خراسانی، متوفی ۳۴۸ هـ. ق؛ صاحب کتاب **تکملة کتاب العین** که فرهنگنامه معروفی است از خلیل بن احمد. در هر حال میدانی در کتاب **مجمع الامثال**، مکرر از تکملة خازرنجی یاد کرده است<sup>(۴)</sup>.

۱۰- احمد بن ابراهیم (اسماعیل) بن سَمَكَةُ قُمِي، متوفی حدود سال ۳۵۰ هـ. ق، مؤلف کتاب **الأمثال**<sup>(۵)</sup>.

۱۱- ابوبکر محمد بن اسحاق اهوازی که پیش از سال ۳۵۰ هـ. ق؛ می زیسته و مؤلف کتاب: **النحل و اجناسه**<sup>(۶)</sup> می باشد.

۱۲- حمزه اصفهانی، ابو عبدالله حمزه بن حسن درگذشته پیش از سال ۳۵۰ هـ ق؛ لغوی، ادیب و مورخ، و از شاگردان ابن درید و ابن انباری و مؤلف کتاب الخصائص و الموازنة بين العربية و الفارسية و...<sup>(۷)</sup>.

۱۳- صاحب بن عبّاد، اسماعیل بن عبّاد طالقانی قزوینی معتزلی، متوفی ۳۸۵ هـ ق؛ وزیر مؤیدالدوله، که نادره دهر و اعجوبه زمان بوده و شاگرد ابن فارس لغوی<sup>(۸)</sup> و مؤلف کتاب المحيط فی اللغة در هفت مجلد به ترتیب حروف معجم که، کثیر اللفظ و قلیل الشواهد است<sup>(۹)</sup>، و کتاب جوهرة الجمهره، که کتاب الجمهره فی اللغة بزرگترین کتاب لغتی را که ابن درید، محمد بن حسن متوفی ۳۲۱ هـ ق؛ نوشته است، صاحب بن عبّاد گزین کرده است و به نام جوهرة الجمهره موسوم داشته است<sup>(۱۰)</sup>.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است.

۱۴- قاضی القضاة ابوطاهر، مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر بن ابی بکر بن أحمد بن محمود بن ادریس بن فضل الله بن شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی فیروزآبادی<sup>(۱۱)</sup>؛ که در زمینه فقه اللغة، و تحقیق و تدوین لغات عربی همچون خلف صالح خود تحقیقات بدیعی در لغت عرب کرده است و در تکوین و تکامل این زبان سهم بسزایی را به عهده داشته است.

### تاریخ و محل تولد فیروزآبادی

عموم مورّخین اسلامی، به ویژه سخاوی، که مفصلترین شرح حال را برای فیروزآبادی نوشته است. اجماع دارند براین که ولادت او در ربیع الآخر و یا جمادی الآخر سال ۷۲۹ هـ ق بوده است.

اما زادگاه فیروزآبادی، به نقل شاگردش ابن حجر عسقلانی، متوفی ۸۵۲ هـ ق، کازرون است<sup>(۱۲)</sup>، و سخاوی که احوال دانشمندانی را که بین سالهای ۸۰۱ تا ۹۰۰ هـ ق درگذشته اند ذکر کرده است، همین قول را پذیرفتند<sup>(۱۳)</sup>، و ابن عماد حنبلی متوفی ۱۰۸۹ هـ ق<sup>(۱۴)</sup> و جلال الدین سیوطی متوفی ۹۱۱ هـ ق<sup>(۱۵)</sup> و اسماعیل پاشا بغدادی<sup>(۱۶)</sup> و خوانساری<sup>(۱۷)</sup> متوفی ۱۳۱۳ هـ ق، زادگاه

فیروزآبادی را کازرون نوشته‌اند و طاش کُپریی زاده نام محل تولد او را در کارزین ثبت نموده است (۱۸).

لکن فیروزآبادی، خود در کتاب قاموس، ذیل کلمه «کَرَز» گوید: کارزین، بلد به فارس، منه محمد بن الحسن مُقَرِّیء الحَرَم، و به وُلْدَتْ... و در ماده «کَرَز» و «کازر» و «کازرُون» به فتح زاء، چنین اشارتی ندارد.

پس به طور قطع، زادگاه فیروزآبادی «کازرین» بوده است چنان‌که شیخ نصر الهورینی متوفی ۱۲۹۱ هـ. ق (۱۹) و حاج شیخ عباس قمی متوفی ۱۳۵۹ هـ. ق (۲۰) و فرصت الدوله شیرازی (۲۱) و بسیاری دیگر بر این امر تصریح کرده‌اند.

## کارزین

یاقوت در معجم البلدان، گوید: کارزین: بفتح راء و کسر زاء و یاء و نون، نام یکی از شهرهای فارس است (۲۲). و اسطخری آن را شهرکی کوچک توصیف کرده است که جزو نواحی اردشیر خوره می‌باشد (۲۳). و ابن حوقل گوید: کارزین در جنوب فارس واقع است و گرمسیر، که قُهندزی (مُعَرَّب کهن دژ، به معنی قلعه قدیمی، ارک شهر) در اندرون حصار شهر رُبُضی (حصار، قلعه، باره) دارد. و در میان رودهای فارس، رودی آبادکننده‌تر از «سَکَّان» وجود ندارد که به کارزین وارد می‌شود و آن جا را آبیاری می‌کند، و از فسا تا کارزین ۱۸ فرسخ و از فسا تا جهرم ۱۰ فرسخ و تا کارزین ۸ فرسخ است (۲۴). ابن خردادبه در ذکر کوره اردشیر خوره گوید که یکی از رُستاقهای (رُستاق به معنی، روستا، ده می‌باشد) آن... کارزین است. و از جمله آثار بازمانده از دوران قدیم «قدمگاه کارزین» است که تخته‌سنگی است و بر آن نقشی از دوران پارتی (ظاهراً) وجود دارد (۲۵).

خلاصه آن که فیروزآبادی در کارزین زاده شده است و پدر و مادرش در آن جا ساکن بودند. فیروزآبادی دوران کودکی خود را در قصبه کارزین سپری کرده و در سن هفت سالگی قرآن کریم را حفظ نموده است و در هشت سالگی به شیراز می‌آید و به تحصیل علم می‌پردازد. ابتدا نزد پدرش سپس نزد عبدالله بن محمود بن نجم و دیگران دانش می‌آموزد و مسافرتهايش شروع می‌شود که اکثر مورخین نوشته‌اند و

نیاز به ذکر آنها نیست. پس لازم می آید که در این مقاله به بررسی و تامل در این نکته قابل ذکر آن که بیشتر تحقیقات و مطالعات فیروزآبادی پیرامون علوم نقلی بوده است.

### خاندان فیروزآبادی

اطلاع زیادی درباره خاندان فیروزآبادی در دست نیست، همین قدر می دانیم که پدرش از علمای لغت و ادب شیراز بوده است و در آغاز این گفتار نسب او را بیان داشتیم که به ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی، متوفی به ۴۷۶ هـ. ق، می رسد که از فقهای برجسته شافعی مذهب بوده است و آثار ارزنده ای از او بجای مانده از قبیل کتاب التنبیه و المهدب و...

ابن حجر، که شاگرد فیروزآبادی بوده است بر استادش به خاطر این نسب خورده گرفته است و می گوید که ابواسحاق، فرزند نداشته است و چگونه فیروزآبادی خود را به او منسوب می سازد؟! (۲۶).

علت این اعتراض آن است که در شیراز در سده پنجم هجری دو نفر از دانایان می زیستند که هر دو به نام ابواسحاق ابراهیم شیرازی موسوم بوده اند و همین امر باعث شده است تا ابن حجر میان این دو تن اشتباه کند، یکی از این دو، به نام امام ابواسحاق ابراهیم بن محمد شیرازی، فقیه برجسته شافعی مذهب متوفی ۴۷۶ هـ. ق که حاجی خلیفه آثار او را به تفصیل نقل کرده است (۲۷) و دیگری: قطب الاولیا، شیخ مرشد ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متوفی ذیقعد ۴۲۰ هـ. ق است که پدرش - شهریار - در آغاز جوانی اسلام آورد و مادرش - بانویه - نام داشت. شصت و چهار خانقاه به دست او بنا شد، بیست و چهار هزار گبر و یهود به دست او مسلمان شدند و پیوسته با کفار در مبارزه بوده است، لذا به او «شیخ غازی» گفتند. سن او ۷۳ سال بوده، بیشتر ائمه و مشاهیر فضلا و اعظام سلاطین آن عصر به وجود مبارکش مفتخر بودند، و با شیخ ابوسعید بن ابی الخیر معاصر و میان ایشان مکاتباتی رفته. از جمله شیوخی که او را درک کرده اند شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف فیروزآبادی فقیه شافعی عصر خود متوفی، ۴۷۹ هـ، که

سابقاً ذکر او گذشت. این ابواسحاق عارف بلاعقب بوده است چون تا آخر عمر ازدواج نکرده است<sup>(۲۸)</sup>. چون او اهل ریاضت بوده و یکی از ریاضت‌های مستمر او عبادت بود از اجتناب از تأهل و صحبت زنان. خود او می‌گفت: «که پیش من چه زنی است و چه دیواری، و اگر چنین نبود زن کردمی» نظیر این سخن را از عارف هم‌عصرش با یزید نیز نقل کرده‌اند<sup>(۲۹)</sup>.

شرف‌الدین شیرازی که وقایع سالهای ۶۹۷ تا ۷۲۸ هـ. ق را در تاریخ خود ثبت کرده است گوید: در ذیحجه سال ۶۹۸ هـ. ق ملک معزالدین بانصرت خان که سردار سپاه او بوده به سوی یکی از مشهورترین بلاد هند رفت... از جمله غنائم، بتی بود به نام سومنات... بعد از مدتی از تخریب بتخانه، سنگی یشم رنگ از آن جا یافتند در غایت لطافت. یکی از تجار فرمود تا از آن محرابی ساختند و اطرافش را آیات نگاشتند. چون پرداخته گردید آن را تبرکاً بر مقبره قطب‌الاولیاء الشیخ المرشد ابواسحاق ابراهیم بن شهریار بفرستاد. هم در آن نزدیکی قبه‌ای بر سر قبر او برافراشتند و آن سنگ را در طرف راست آن به کار گذاشتند. من به زیارت آن بقعه نایل آمده‌ام و قصیده‌ای سروده‌ام... عبدالمحمد آیتی در تحریر دوّم این تاریخ، آن قصیده را نقل کرده است<sup>(۳۰)</sup>.

در هر حال گمان می‌رود که فیروزآبادی نسبش به ابواسحاق ابراهیم بن محمد شیرازی فقیه می‌رسد نه این دوّمی و همین امر موجب اشتباه ابن حجر شده است.

### استادان فیروزآبادی

او ابتدا مقدمات علوم را نزد پدرش، یعقوب بن محمد فرا می‌گیرد، در سن هشت سالگی به شیراز می‌آید و در آن جا نزد ابی‌عبدالله محمد بن یوسف أنصاری زرنندی مدنی، صحیح بخاری و جامع ترمذی را فرا می‌گیرد. در سن ۱۶ سالگی به سال ۷۴۵ هـ. ق به عراق می‌رود، ابتدا در شهر واسط نزد احمد بن علی دیوانی به تحصیل قرائت‌های ده‌گانه می‌پردازد و در این سال به بغداد می‌آید و تا سال ۷۵۵ هـ. ق حدود ده سال از محضر اساتید بزرگی کسب فیض می‌نماید از جمله:

١- تاج الدین محمد بن سباک، ٢- حافظ سراج الدین أبو حفص عمر بن علی قزوینی متوفی ٧٥٠ هـ. ق، ٣- محیی الدین محمد بن عبداللّه واسطی بغدادی معروف به ابن عاقولی متوفی رمضان ٧٦٨ هـ. ق، ٤- عبداللّه بن بکتاش، قاضی بغداد و مدرس نظامیه، ٥- نصر اللّه بن محمد کنبی<sup>(٣١)</sup>، ٦- فخر المحققین، أبو طالب محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی متوفی شب ٢٥ جمادی الآخر ٧٧١ هـ. ق، پسر علامه حلّی. چنانکه فیروزآبادی خود در اجازه ای که به ابن حلوانی داده است به این موضوع تصریح کرده است و احمد فارس شدیاق، صورت اجازه را این چنین آورده است<sup>٣٢</sup>:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على نعمه الباطنة والظاهرة و مننه المتوافرة المتظاهرة. و الصلوة على محمد المبعوث بالحجج البالغة و اصحابه الانجم الزاهرة و عترته الطيبة الطاهرة. و بعد يقول فقير رحمة الله تعالى ابوطاهر محمد بن يعقوب بن محمد الفيروزآبادي الشيرازي سدد الله افعاله و اقواله و هداه من الأمور لما هو أبقى و اقوى له: أجزت للمولى الإمام الحبر الهمام البحر الهلquam زبدة فضلا الأيام فخر علما الأنام عماد الملة والدين عوض الفلك آبادي الشهير بابن الحلوانى سقاه الله تعالى من الكلم الغر عذاب نطافها كما رزقه من أثمار العلوم لظاف اقطافها ان يروى عنى هذا الكتاب المسمى بالتكملة و الذيل و الصلة لكتاب تاج اللغة و صحاح العربية بحق روايتى اياه عن شيخى و مولاي علامة الدنيا بحر العلوم و طود العلى فخر الدين أبى طالب محمد بن الشيخ الامام الاعظم برهان علماء الأمم جمال الدين أبى منصور الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّی بحق روايته عن والده بحق روايته عن مؤلفه الإمام الحجة برهان الأدب ترجمان العرب ولى الله الوالى رضى الدين أبى الفضائل الحسن بن محمد الصغانى رضى الله عنه و ارضاه و قدس مهجعه و مثواه و فى حظائير الانس اسكنه و آواه و كذلك اجزت له رواية سائر مؤلفاته و مصنّفاته و رواية ما للرواة فيه مدخل و للنقل عليه معول و انا برئى من الخلل و التحريف و الزلل و التصحيف و كتبت هذه الأحرف فى شهر ربيع الاول عمت محاسنه سنة سبع و خمسين و سبعمائة بمدينة لاوند حامد الله تعالى على عوارف نعمته و ذوارف نواله

مصلیاً مسلماً علی سیدنا محمد المصطفی و صحبه و آله. در سال ۷۵۵ هـ ق به دمشق و بعلبک و حماة و حلب و قدس رفت و در ظرف ده سال محضر بیش از یکصد استاد را درک کرده تا آن که خود به تدریس پرداخت. شهرت علمی او فراگیر شد و بسیاری از دانشجویان تلاش می کردند تا درس او را درک کنند و از آن جا به قاهره و رمله رفت، و از شهرهای شمالی و شرقی دیدار نمود.... (۳۳)

### شاگردان و راویان از فیروزآبادی

بسیاری از طلاب و علمای مصر و یمن و حجاز... جزو شاگردان او بوده اند که مشهورترین آنان عبارتند از:

- ۱- حافظ شهاب الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی متوفی ۸۵۲ هـ. ق، که علم لغت را از فیروزآبادی فرا گرفته است (۳۴).
- ۲- تقی الدین محمد بن محمد بن عبدالعزیز مصری معروف بابن فهد متوفی ۸۱۷ هـ. ق.
- ۳- برادر ابن فهد، والی الدین ابوالفتح عطیه
- ۴- دو پسرش فخرالدین ابوبکر و حافظ نجم الدین عمر
- ۵- شرف الدین اسماعیل بن ابی بکر بن عبداللّه زبیدی معروف بابن المقرئ متوفی ۸۳۸ هـ. ق
- ۶- ابوبکر بن محمد بن ابراهیم مرشدی
- ۷- امین الدین سالم بن ضیاء الدین محمد قرشی مکی
- ۸- شاکر بن عبدالغنی
- ۹- محمد بن علی، معروف بابن الواحی
- ۱۰- رضی الدین ابوحامد محمد بن محمد بن ظهیرة
- ۱۱- محمد بن مقبل حلبی
- ۱۲- زین الدین ابوالعباس احمد بن عبداللطیف شرحی حنفی زبیدی (۳۵)
- ۱۳- حافظ جمال الدین ابوعبداللّه محمد بن ابی بکر بن محمد صالح همدانی

تفرشی حیلی معروف بابن الخياط، متوفی ۸۳۹ هـ. ق (۳۶)

۱۴- فخرالدین، احمد بن محمد بن ابی بکر بن محمد شیرازی شارح قصیده «برده» که آنرا از استادش فیروزآبادی روایت کرده است و به نام «نزهة الطالبین و تحفة الرغبین» موسوم داشته است. وی را دو شرح بر قصیده برده است یکی مختصر و دیگری مفصل (۳۷) و بسیاری دیگر که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است.

### آثار و تألیفات فیروزآبادی

کثرت و تنوع آثار فیروزآبادی دلیلی است بر تبخر و مهارت وی در علوم ادبی و نقلی، و در رشته‌های مختلف لغت، تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، فقه و تراجم رجال و... کتابهای متعددی نگاشته است که اغلب آنها از بین رفته است و ذکر همه آنها به زمان دیگر حواله می‌شود. از میان ۶۷ کتابی که به فیروزآبادی نسبت داده شده است، هشت کتاب چاپ شده است و از نسخه‌های خطی دوازده کتاب دیگر هست که چاپ نشده است و ما از نسخه‌های خطی آنها اطلاع داریم. در این جا صورتی از تألیفات فیروزآبادی از نظر می‌گذرد:

۱- إثارة الحجون لزیارة الحجون = اشارة الحجون إلى زیارة الحجون. به طوری که از خطبه این کتاب به دست می‌آید، فیروزآبادی آن را در یک شب تألیف نموده است (۳۸). این کتاب در حدیث است و شامل سیره پیامبر اسلام (ص) به نقل از آداب اللغة، نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه خدیویه موجود است در ۲۰۰ صفحه.

(حجّونِ اوّل به معنی شخص کسل است و حجّونِ دوّم نام کوهی است در بالای مکه)

۲- الاحادیث الضعیفه. از نسخه‌های خطی این کتاب اطلاعی در دست نیست (۳۹). این کتاب مشتمل بر چند مجلد بوده است.

۳- احاسن اللطائف فی محاسن الطائف (۴۰)

۴- الإسعاد بالاصعاد إلى درجة الجهاد = الإسعاد بالاصعاد إلى درجة

- الاجتهاد = الإصعاد إلى رتبة الاجتهاد. این کتاب شامل سه و یا ۴ مجلد بوده است که آن را برای اشرف اسماعیل، حاکم یمن نگاشته است (۴۱).
- ۵- اسماء الحمد. نام این کتاب را فقط سخاوی نوشته است (۴۲).
- ۶- اسماء السراج في أسماء النكاح = اسماء الشراح في أسماء النكاح = اسماء السراج (۴۳) = اسماء السراج في ... آيا ممكن است که همان کتاب مذکور در ردیف ۶ باشد؟
- ۷- اسماء الغادة في أسماء العادة (۴۴)
- ۸- اسماء النكاح (۴۵). آيا ممكن است که همان کتاب مذکور در ردیف ۶ باشد؟
- ۹- الاغباط بمعالجة ابن الخياط. پاسخ پرسشهایی است که پیرامون ابن عربی شده است (۴۶).
- ۱۰- امتضااض السهاد في افتراض الجهاد = امتضااض ... = امتضااض السهاد في افتراض الجهاد (۴۷).
- ۱۱- الألفاظ الخفية في اشرف الحنفية = ... الخيفة (۴۸).
- ۱۲- انواء الغيث في أسماء الليث (۴۹).
- ۱۳- اوهام المجمل. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زكريا قزوینی متوفی ۳۹۵ هـ. ق کتاب موجزی در لغت فصیح نگاشته است به نام مجمل اللغة و فیروزآبادی پس از مطالعه آن کتاب با همه احترامی که برای ابن فارس قائل بوده است لکن اشتباهات ابن فارس را در این کتاب گرفته که عدد آنها به هزار می رسد و کتاب حاضر را ساخته و به نام اوهام المجمل موسوم داشته است (۵۰).
- ۱۴- بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز (۵۱). این تفسیر در شش مجلد به سال ۱۳۹۲ هـ. ق در قاهره چاپ و توسط المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیه منتشر گردیده است.
- ۱۵- بلاغ التلقين في غرائب اللعين (۵۲).
- ۱۶- البُلغه في تاريخ ائمة اللغة = البلغة في تراجم ائمة النحو و اللغة = ...

النحاة و اللغة (۵۳). این کتاب در سال ۱۹۷۲ م در دمشق چاپ شده است، و دو نسخه خطی آن را بروکلیمان نشان داده است.

۱۷- تثقیف الاسل فی تفضیل العسل = تثبیت... (۵۴).

۱۸- التجاریح فی فوائد متعلقة بأحادیث المصابیح = التجاریح... (۵۵).

یادداشت‌هایی است که فیروزآبادی بر کتاب مصابیح السنّة، تألیف حسین بن مسعود قرّاء بغوی شافعی، متوفی ۵۱۶ هـ. ق، نگاشته است.

۱۹- تحبیر الموشین فیما یقال بالسنین و الشین = تحبیر... = تحبیر الموشین

فی التعبیر بالسنین و الشین = تحبیر الموشین... (۵۶).

این کتاب در سال ۱۳۲۷ هـ در الجزائر و نیز در بیروت چاپ شده است.

۲۰- تحفة الابیه فیمن نسب إلى غیرابیه = تحفة الابیه فیمن ینسب إلى

غیرابیه (۵۷).

این کتاب در سال ۱۳۷۱ هـ. ق (۱۹۵۱ م) با تحقیق عبدالسلام هارون در

قاهره چاپ شده است و ضمن نوادر المخطوطات، مجموعه‌ای در ۱۱۰ صفحه منتشر شده است. نسخه خطی در الجزایر دارد.

۲۱- تحفة القماعیل فیمن یتسمی (تسمی) من الملائکة و الناس

باسماعیل (۵۸).

(اقماعیل جمع قمعال است به معنی رئیس قوم)

۲۲- ترفیق (ترقیق) الأسل فی تصفیق العسل = فی أسماء العسل (۵۹).

این کتاب در چند دفتر است. نسخه خطی آن به شماره ۵۰۶۰ به خط نسخ بدون تاریخ در کتابخانه رضوی موجود می‌باشد.

۲۳- تسهیل طریق الوصول إلى الأحادیث الزائدة علی جامع الاصول =

تسهیل الوصول... (۶۰).

کتاب جامع الاصول لأحادیث الرسول تألیف ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد

شافعی متوفی ۶۰۶ هـ ق است که فیروزآبادی چیزهایی بر آن افزوده است، و آن را به خاطر ناصر بن اشرف، حاکم یمن در چهارمجلد نگاشته است.

۲۴- تعیین العرفات للمعین علی عین عرفات (۶۱).

## ۲۵- تنویرالمقباس فی تفسیر ابن عباس (۶۲)

این کتاب در چهار مجلد است که در سال ۱۳۱۴ هـ ق در مصر در هامش در  
المنثور و بار دیگر در مصر به سال ۱۳۵۶ هـ ق و در بولاق به سال ۱۲۹۰ هـ ق و در  
بمبئی به سال ۱۲۸۰ هـ ق چاپ سنگی شده است. فیروزآبادی اخباری که از  
ابن عباس در تفسیر آیات نقل شده در این کتاب جمع آوری کرده است. ابن عباس  
تفسیر نداشته است.

## ۲۶- تهییج الغرام إلى البلاد الحرام (۶۳)

## ۲۷- تیسیر فاتحة الاباب فی تفسیر فاتحة الكتاب = تیسیر فاتحة الاباب

(الایاب) ... = تیسیر فاتحة الإهاب... (۶۴) در یک مجلد بزرگ.

## ۲۸- جلیس الأنیس فی أسماء الخندریس (۶۵)

این کتاب در یک مجلد  
است در بیان تحریم و اسماء و اوصاف خمر به ترتیب حروف برابر آنچه در قرآن و  
حدیث و اقوال علما آمده است. فیروزآبادی این کتاب را به نام سلطان شعبان بن  
سلطان حسین بن ملک ناصر محمد نوشته است و قدیمی ترین نسخه خطی آن با  
تحریر ۷۷۷ هـ ق با یادداشت: «برسم خزانة السلطان الملك الاشرف شعبان  
خلدالله سلطانه» در دارالکتب مصر موجود است. (۶۵)

(خندریس به معنی شراب است)

## ۲۹- حاصل کورة الخلاص فی فضائل سورة الإخلاص (۶۶)

## ۳۰- الدر الغالی فی الأحادیث العلوالی (۶۷)

## ۳۱- الدرالتظیم المرشد إلى مقاصد القرآن العظیم = الدرالنظیم الی

فضائل القرآن العظیم (۶۸).

به نقل شادروان ابن یوسف شیرازی، نسخه خطی این کتاب در کتابخانه

مجلس موجود است. در کتابخانه رضوی نسخه‌ی به همین نام به شماره ۳۳۴۲

موجود است که مؤلف آن را عبدالله بن اسعد یافعی نگاشته است باید مقابله شود.

## ۳۲- الدرر المبیثة فی الغرر المثلثة = الغرر المثلثة و الدرر المبیثة (۶۹)

در دارالکتب مصر، نسخه‌های متعددی از این کتاب موجود است و مرحوم

محمد علی تربیت نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته است که به خط

- عبدالرحیم پسر فیروزآبادی در سال ۷۷۳ هـ. ق، تحریر یافته است.
- ۳۳- روض المسلوف فیما له اسمان الی الالوف (الوف) (۷۰).
- ۳۴- روضة الناظر فی درجة الشيخ عبدالقادر (۷۱) = روضة الناظر فی  
ترجمه...  
ظاهراً همان شیخ عبدالقادر گیلانی باشد؟
- ۳۵- زادالمعاد فی وزن بانث سعاد و شرحه (۷۲). در یک مجلد.
- ۳۶- سفرالسعادة. این کتاب در هامش کتاب النور الکبیر مع فتح الخبیر در  
اصول تفسیر، تألیف شاه ولی الله بن عبدالرحیم دهلوی در مصر بدون تاریخ چاپ  
شده است (۷۳). اسماعیل پاشا بغدادی، شرح قصیده بانث سعاد را کتاب مستغلی  
معرفی کرده است.
- ۳۷- شرح بحال رضی الدین صغانی (۷۴). رساله ای است در دو صفحه که  
شرح حال کوتاهی از رضی الدین ابوالفضائل حسن بن محمد صغانی لاهوری را  
شامل است. در آخر رساله آمده: «من شرح ألفه مجدالدین شیرازی فیروزآبادی  
سلمه الله». یک نسخه خطی در مجلس شورا موجود است.
- ۳۸- شوارق الأسرار العلیة فی شرح مشارق الأنوار النبویة (۷۵).  
کتاب مشارق الأنوار در حدیث است و تألیف صغانی، رضی الدین حسن بن  
محمد متوفی ۱۹ شعبان ۶۵۰ هـ. ق. این کتاب در چهار مجلد است.
- ۳۹- صراط المستقیم (۷۶).  
این کتاب در سالهای ۷۲-۱۲۷۰ در خاتمه قاموس اللغة در بمبئی چاپ  
سنگی شده است.
- ۴۰- الصلوة والبشر فی صلاة (الصلوة) علی خیر البشر (ص) = الصلوات و  
البشر فی الصلوة علی خیر البشر (۷۷).  
نسخه خطی این کتاب با تحریر ۲۴ صفر ۱۱۲۰ هـ. ق در ۸۳ برگ ۱۸ سطری  
به شماره ۱۳۵۵ در دانشگاه مکه معظمه موجود است و رساله ۳۹ مجموعه شماره  
۴۹۰۰ کتابخانه مجلس در تهران.
- ۴۱- عدّة الحکام فی شرح عمدة الأحکام (۷۸).

گزارشی است در دو مجلد از فیروزآبادی بر کتاب عمدة الاحکام عن سیدالانام تألیف ابی محمد تقی الدین عبدالغنی بن عبدالواحد جماعیلی حنبلی، متوفی ۶۰۰ هـ. ق.

۴۲- الفررالمثلثة و الدرر المبلثة<sup>(۷۹)</sup>. فیروزآبادی در این کتاب، آنچه در کتاب المثلث فی اللغة، تألیف قُطْرُب نحوی، محمد بن مستنیر متوفی ۲۰۶ هـ. ق و شرح آن از قَزَاز، محمد بن جعفر قیروانی نحوی متوفی ۴۱۲ هـ. ق و کتاب المثلث، تألیف جمال الدین محمد بن معروف به ابن مالک نحوی متوفی ۶۷۲ هـ. ق، و المثلث بطلیوس نحوی، عبدالله بن محمد، متوفی ۵۲۱ هـ. ق و کتاب ابی عبدالله حنبلی و ابراهیم بن زهر بصری و کتاب الباهر ابن عدیس آمده گرد آورده است، شامل دو قسم، قسم اول در مثلث متفق المعانی که این قسم را به ترتیب حروف مرتب نموده است و قسم دوم در مثلث مختلف المعانی. این کتاب در پنج جلد می باشد. جرجی زیدان نسخه‌ای از این کتاب را در خزانه تیموریه نشان داده است. آقای محمد علی تربیت نسخه‌ای از این کتاب را که به خط پسر مؤلف مورخ ۷۷۳ هـ می باشد، داشته است.

۴۲- فضل الدرة (الدر) من الخرزة فی فضل السلامة علی الخبزة<sup>(۸۰)</sup>.

سلامه و خبزه نام دو قریه در طائف است.

۴۳- الفضل الوفی فی العدل الأشرفی<sup>(۸۱)</sup>.

فیروزآبادی این کتاب را به خاطر ملک اشرف اسماعیل رسولی از جمله سلاطین رسولیه نگاشته است.

۴۴- القاموس المحیط و القابوس الوسیط الجامع لمآذهب من کلام العرب

شماطیط<sup>(۸۲)</sup>.

این کتاب، مهمترین اثر فیروزآبادی می باشد و یکی از معروفترین و معتبرترین لغتنامه‌های عربی به عربی است که به علت اهمیت و اعتبار زیادش از روزگار مؤلف تاکنون مورد عنایت بوده است و نسخه‌های خطی فراوانی از آن در کتابخانه‌های عالم موجود است که عباس عزاوی از نسخه‌ای که در زمان حیات مؤلف در تاریخ ۸۱۶ هـ. ق تحریر یافته است و نسخه‌های بعدی خبر داده

است<sup>(۸۳)</sup>. و نیز تکمله این مقاله از دکتر حسین علی محفوظ<sup>(۸۴)</sup>. چاپهای قاموس اللغة در دو مأخذ اخیر صفحات ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۲۰۳. همین شهرت و اعتبار قاموس باعث شده است که در تمام قرنهای بعد از تألیف، پیوسته مورد توجه علما قرار گیرد و شارحان و مترجمین و تلخیص کنندگان و حاشیه نویسان و نقادان به ترجمه و تصحیح و نقد و تعلیق بر آن بپردازند، تنها استاد احمد عبدالغفور عطار در مقدمه الصحاح نام ۵۴ کتاب را ذکر کرده است که پیرامون قاموس<sup>(۸۵)</sup> نگارش یافته است.

فیروزآبادی این کتاب را برحسب حروف آخر کلمات اعم از اسامی و مصادر و حروف مرتب نموده تحت ابوابی و به اعتبار حروف اوائل، فصولی تنظیم داده است و از جمله خصوصیات آن ایجاز آن است که ابن حجر گوید: بهتر از این وجود ندارد در عین حال از حیث اشتمال بر واژه‌ها؛ فزون تر از صحاح جوهری می باشد<sup>(۸۶)</sup>.

شاید همین امر موجب اشتهارش گردید و آن را جزو متداول ترین کتب در این زمینه قرار داد، تا آن جا که سلاطین آل عثمان، حقوق دانشوران را موکول به حفظ نمودن کتاب قاموس کرده بودند<sup>(۸۷)</sup>. خلاصه آن که از هنگامی که فیروزآبادی کتاب قاموس را تألیف نموده تا امروز، همه آن را ستوده اند.

فیروزآبادی، ابتدا کتابی را در لغت نگاشت به نام اللامع المَعْلَم العُجَاب الجامع بین المَحْکَم و العُباب و زیادات امتلابها الوطاب که با برآوردی که مؤلف کرده بود این کتاب، حدود یکصد جلد می شد که هر جلدی، اندازه صحاح جوهری، و پنج مجلد آن را نگاشت، که پدر تقی الدین کرمانی به فیروزآبادی دستور داد تا مختصر کند آن را لذا کتاب مزبور را گزین نمود و قاموس را ساخت<sup>(۸۸)</sup>.

فیروزآبادی این اثر جاوید خود را در سال ۸۱۳ هـ ق در مکه مکرمه برابر خانه کعبه ساخته است، چنان که در آخر قاموس گوید: «... یسرالله تعالی اتمامه بمنزلی علی الصفا المشرقة تجاه الکعبة المعظمة... سنة ۸۱۳ هـ. ق.»

هم اکنون معتبرترین نسخه ای که محققین به آن اعتماد می کنند، نسخه ای از قاموس است که به خط مؤلف می باشد و در مدرسه با سطیة قاهره موجود است و

پس از آن در زمان حیات مؤلف و بعد از آن تا سده ۱۳ هـ. ق پیوسته استنساخ می شده است و احصای آنها خارج از حوصله یک مقاله می باشد و از سال ۱۲۳۰ هـ. ق یعنی ۱۹۰ سال پیش که قاموس برای اولین بار چاپ و پس از آن مکرراً به زیور طبع آراسته گردیده است، در عین حال می طلبد که چاپ منقح و بهتری از این اثر صورت پذیرد؛ چون اگر قاموسی که امروز در دست ماست لااقل با آخرین نسخه‌ای که بر مؤلف قرائت شده است و مشتمل بر افزودگیهایی است که در دیگر نسخه‌ها نبوده و همچنین با برخی از نسخه‌های خطی معتبر دیگر مقابله شود خدمت بزرگی به فرهنگ اسلامی خواهد بود به ویژه اگر تجدید چاپ قاموس براساس کار مفتی جمهوری عربی لیبی استاد طاهر احمدزاوی باشد که فاقد خصوصیت مذکور است، لکن به ترتیب حرف اول تنظیم یافته است چون بهره آن برای مراجعین بیشتر خواهد بود (۸۹).

۴۵- قُطْبَةُ الْخَشَافِ فِي حُلِّ خُطْبَةِ الْكِشَافِ = شرح قُطْبَةِ الْحَسَافِ فِي شَرْحِ خُطْبَةِ الْكِشَافِ - قُطْبَةُ الْخَشَافِ، شرح خُطْبَةِ الْكِشَافِ (۸۹).

جارالله زمخشری، محمود بن عمر متوفی ۵۳۸ هـ. ق تفسیر جامع و ارزنده‌ای نگاشته است به نام الْكِشَافِ عَنْ حَقَائِقِ التَّنْزِيلِ که مصنف درباره آن گفته است:  
 إِنَّ التَّفَاسِيرَ فِي الدُّنْيَا بِأَعْدَدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا لِعَمْرِي مِثْلَ كِشَافِي  
 إِنْ كُنْتَ تَبْغِي الْهَدْيَ فَالْزَمِ قِرَاءَتَهُ فَالْجَهْلُ كَالدَّاءِ وَالْكِشَافُ كَالشَّافِي  
 براین تفسیر، شروح و حواشی و تعلیقات متعددی نگاشته شده است از جمله مجدالدین فیروزآبادی، خطبه این تفسیر را گزارش نموده است و به نام قُطْبَةُ الْخَشَافِ فِي حُلِّ (لحل) خُطْبَةِ الْكِشَافِ موسوم داشته است. فیروزآبادی گوید که شرح مزبور تلف شد، مجدداً شرحی از خطبه تفسیر کشف می نویسد به سال ۷۶۸ هـ. ق و آن را به نام نغمة الرشاف من خطبة الكشاف موسوم داشته که در جای خود از آن بحث خواهیم کرد (۹۰).

۴۶- كِرَاسَةٌ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ (۹۱).

۴۷- اللامِعُ الْمُعَلِّمُ الْعُجَابِ الْجَامِعِ بَيْنَ الْمُحْكَمِ وَالْعُبَابِ وَ زِيَادَاتِ امْتِلَاقِهَا الْوِطَابِ.

وصف این کتاب در ذیل قاموس آمده است. سخاوی گوید: پنج جلد از این کتاب را که به خط فیروزآبادی بوده است دیده<sup>(۹۲)\*</sup>.

۴۸- المتفق وضعاً و المختلف صنعاً = ... صنعاً<sup>(۹۳)</sup>.

۴۹- المثلث الصغير في اللغة.

فیروزآبادی این کتاب را به سیاق کتاب مثلثات قطرب، محمد بن مستنیر معتزلی متوفی ۲۰۶ هـ. ق ساخته است. نسخه‌ای از این کتاب در خزانه الأزهري موجود است<sup>(۹۴)</sup>. مثلث صغير شامل پنج جزء است به ترتیب حروف.

۵۰- المثلث في اللغة = المثلث الكبير في اللغة.

این کتاب شامل ۵ مجلد است. در مکتبات عامه مغرب نسخه از کتاب المثلث في اللغة از فیروزآبادی موجود است به شماره ۲۳۱ ق شامل حدود ۶۱ برگ<sup>(۹۵)</sup>.

۵۱- مجمع السؤالات من ضحاح الجوهري.

نام این کتاب را تنها ابن یوسف شیرازی جزو آثار فیروزآبادی ذکر کرده است. جرجی زیدان، نسخه‌ای از آن را در کتابخانه کوپرنی نشان داده است<sup>(۹۶)</sup>.

۵۲- مِرْقَاة الأرفعية في طبقات الشافعية<sup>(۹۷)</sup>

۵۳- مِرْقَاة الوفية في طبقات الحنفية<sup>(۹۸)</sup>

۵۴- مزاد المزاد؟

تنها سخاوی نام این کتاب را جزو آثار فیروزآبادی ذکر کرده است<sup>(۹۹)</sup>.

۵۵- مغانم المطابة في معالم طابة = ... في فضائل طابة<sup>(۱۰۰)</sup>.

طابة: مدینه منوره است.

۵۶- مقامات فیروزآبادی<sup>(۱۰۱)</sup>.

تنها ابن یوسف شیرازی این کتاب را به فیروزآبادی نسبت داده است و گوید که در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیرالسلطنه بدین امر تصریح شده است.

\* لامع، یعنی درخشنده، معلم، جامه نفیس. عجاب، عجیب. المحکم، نام کتابی است تألیف ابن سیده که در لغت است. عباب، نیز نام کتابی است در لغت تألیف صفانی، حسن بن فهد.

- ۵۷- مقصود ذوی الألباب فی علم الاعراب<sup>(۱۰۲)</sup>، در یک مجلد.
- ۵۸- مَنح الباری بالسیح (بالشیح - بالسنج) الفسیح المجاری فی شرح صحیح البخاری.
- گزارشی است مفصل که ربع عبادات آن مشتمل بر بیست جلد نگاشته و تمام آن گویا درچهل مجلد باشد<sup>(۱۰۳)</sup>. فیروزآبادی در این کتاب، مطالبی را از فتوحات مکیه آورده است.
- ۵۹- منیة السؤل فی دعوات الرّسول (ص)<sup>(۱۰۴)</sup>.
- ۶۰- نُخَب الطرائف (الظرائف) فی النکت الشرائف<sup>(۱۰۵)</sup>.
- ۶۱- نزّهة الأذهان فی تاریخ اصبهان. در یک مجلد<sup>(۱۰۶)</sup>.
- ۶۲- نزّهة الطالبین و تحفة الراغبین فی شرح قصیة البرده.
- فقط اسماعیل پاشا این کتاب را جزو آثار فیروزآبادی به حساب آورده است<sup>(۱۰۷)</sup>.
- البته سه شرح بر قصیة برده می‌شناسیم که هر سه به همین نام هستند (نزّهة الطالبین...) یکی از فخرالدین احمد بن محمد شیرازی که آن را در محرم ۷۹۷ هـ. ق ساخته است و در این کتاب آمده است که این کتاب را از استاد های خود نقل کرده است که یکی از اساتید مؤلف مجدالدین فیروزآبادی است و دیگر از مسعود بن محمود حسینی است که این هم به نام ((نزّهة الطالبین...)) موسوم است و سوم هم از احمد بن محمد مرعشی که در شعبان ۸۰۹ هـ. ق این گزارش را پدید آورده و به نام ((نزّهة الطالبین...)) نامیده است.
- ۶۳- نغبة الرشاف من خطبة الکشاف = بغیة الرشاف...<sup>(۱۰۸)</sup>.
- چنان که ذیل کتاب قُطبة الخشاف لحل خطبة الکشاف گذشت، فیروزآبادی یکبار خطبه تفسیر کشاف زمخشری را شرح نموده است و به نام قُطبة الخشاف... موسوم داشته است که این کتاب نابود شده، مجدداً کتاب حاضر را ساخته است.
- ۶۴- نفعحة العنبریة فی مولد خیر البریة (ص)<sup>(۱۰۹)</sup>.
- ۶۵- الوصول و المُنی فی فضل مِنی = الوصل و المُنی فی فضائل مِنی<sup>(۱۱۰)</sup>.
- ۶۶- رسالة فی حکم القنادیل النبویة<sup>(۱۱۱)</sup>.

۶۷- الاشارة الى ما في كتب الفقه من الأسماء و الأماكن و اللغات. جرجی

زیدان گوید: نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه فلاشر موجود است. تنها ابن یوسف شیرازی نام این کتاب را جزو آثار مجدالدین فیروزآبادی به حساب آورده است و نوشته است که جرجی زیدان گوید نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر موجود است. باتوجه به آنچه گفته شد معلوم گردید که فیروزآبادی گرچه در رشته‌های مختلف دانش از قبیل تفسیر و علوم قرآنی، حدیث، فقه، تراجم رجال و... اطلاعات ارزنده داشته است لکن در زمینه فقه اللغة و تحقیق و تدوین لغات عربی، این دانشمند پارسی همچون خلف صالح خود، تحقیقات بدیعی در لغت عرب داشته است، و در تکوین و تکامل این زبان سهم غیرقابل انکاری را به عهده داشته است و شاهد صادق<sup>(۱۱۲)</sup> این مدعا هم شاهکار عدیم النظیر وی است به نام قاموس طاش کپری زاده متوفی ۹۶۸ هـ.ق در تأیید این گفتار می‌نویسد که در نیمه اول سده نهم هجری شش تن از دانایان بودند که هر یک در فنی متخصص و سرآمد دانشمندان در آن عصر بوده‌اند که یکی از آنها مجدالدین فیروزآبادی شیرازی است در لغت و زبان‌شناسی<sup>(۱۱۲)</sup>

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### مذهب فقهی و تصوف فیروزآبادی

فیروزآبادی در فقه تابع شافعی است، لکن بیشتر متمایل به مذهب اهل الحدیث است نه مذهب فقها؛ چنانکه در کتاب سفر السعاده اش غالباً به احادیث صحیحیه اعتماد می‌کند.

لکن تمایلات قوی به عرفان داشته و از کتب صوفیه و مقامات و احوالشان اطلاعات وسیعی داشته است. هنگامی که کتاب بصائر ذوی التمییز او را نگاه کنیم در مباحث توکل، إخلاص و توبه به وضوح این تمایلات عرفانی او دیده می‌شود. همچنین در شرح صحیح بخاری او غرائب منقولاتی به چشم می‌خورد به ویژه از فتوحات مکیه مکرر نقل کرده است و چون از ابن عربی از او می‌پرسند فیروزآبادی، ابن عربی را چنین توصیف می‌کند: «أنه كان شيخ الطريقة حالاً و علماً، و

امام الحقیقه حقیقه و رسماً، و محیی رسوم المعارف فعلاً و اسماً...  
 إذا تغلغل فكر المرء في طَرْفٍ من بحرهِ غرقت فيه خواطره...  
 خلاصه آن که مجدالدین فیروزآبادی بیش از آنچه شاگرد متعصبش ابن حجر  
 وی را به مدارا توصیف کرده است به ثنای ابن عربی برخاسته است و خود حاکی از  
 کشش روحی وی است به سوی عرفان نه سازش (۱۱۳).

### فیروزآبادی و شعر

به گفته نقی کرمانی او در نظم و نثر فارسی و عربی در زمان خودش بی نظیر  
 بوده است. ابن حجر و سیوطی نمونه‌ای از شعر او را ذکر کرده‌اند. ابن یوسف  
 شیرازی گوید در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیرالسلطنه ابیاتی از  
 فیروزآبادی نقل گردیده و گوید که اگر اشعار وی جمع آوری شود دیوانی می شود و  
 چند نمونه اشعارش را آورده است (۱۱۴).

### ویژگیهای فیروزآبادی

او آیتی بود در قوت حافظه و وسعت قریحه، همین امر موجب گردید تا در  
 سن هفت سالگی قرآن را حفظ کند (۱۱۵)، و تمام وجودش را این نور فراگیرد. او  
 عاشق علم و دانش بود و نیروی حفظ او بدین خواسته مدد می رساند. ابن حجر  
 عسقلانی از او نقل می کند که می گفت: هر شبی تا دو بیست سطر حفظ نمی کردم  
 به خواب نمی رفتم (۱۱۶). فیروزآبادی به کتاب و کتاب خواندن بسیار علاقه داشت.  
 سخاوی از او نقل می کند که معادل پنجاه هزار مثقال طلا (۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان)  
 کتاب خطی خریده‌ام و به هر سفری که می رفت کتابهایش را چندین شتر حمل  
 می کردند و به هر منزلی که فرود می آمد کتابهای مورد مراجعه‌اش را بیرون می آورد  
 و مطالعه می نمود، سپس بار می نمود به هنگام حرکت به منزل دیگری، و هرگاه  
 نیازی به پول پیدا می کرد آنها را می فروخت (۱۱۷).

نسخه‌های خطی ارزشمندی را که می دید، بخل نمی ورزید، هرچند آن کتاب  
 گرانها بود می خرید. علاقه شدید او به گردآوری کتابهای خطی و نفائس و

دست نوشته های گران قیمت در این زمینه هیچ گونه خجستی نداشت، نتیجتاً چیزی از مال دنیا در دست او نمی ماند و مجبور به فروش کتابهایش می شد. دیگر از ویژگیهای فیروزآبادی که بسیار جلب نظر می کرد، تواضع و فروتنی زیاد او بود که خداوند او را به این زیبایی آراسته بود. او در آغاز کتاب قاموس اسم خود را نمی آورد، بلکه به طوری که در آخر برخی از نسخه ها آمده چنین نوشته است: قال مؤلفه الملنجیء إلى حرم اللہ محمد بن یعقوب الفیروزآبادی: هذا آخر القاموس... راجیاً ان یکون خالصاً لوجه اللہ الکریم و رضوانه، و قد یسر اللہ تعالی اتمامه بمنزلی علی - الصفا - . فیروزآباد به قرب جوار کعبه افتخار می کند. در ماده «صفا» در قاموس، می گوید، والصفا؛ من مشاعر مکه، بلحف اُبی قبیس، و ابتئیت علی متنه دارا فیحاء... ذکر این مطلب از یک دانشمند لغوی در این مورد تناسبی ندارد، جز آن که بگوییم او به داشتن خانه ای نزدیک کعبه مباحثات می کند و بسیار شادمان است.

دیگر از ویژگیهای فیروزآبادی این است که ارتباطات مردمی او بسیار قوی و اتصالش با حُکام و امرا و سلاطین استوار بود. با آن همه مسافرتها می که داشته به هر شهری که وارد می شد، حاکم و والی آن شهر از او استقبال می نمود و مقدمش و انگرامی می داشت. تاریخ نمونه هایی از این موقعیت و مقام را نشان داده است. ابن شجاع حاکم تبریز، بی نهایت از او پذیرایی کرده است، همچنین اشرف شعبان سلطان مصر و اشرف اسماعیل پادشاه یمن و با یزید عثمانی سلطان سلسله عثمانیه (۱۱۸).

در خاتمه باید افزود که علاوه بر این خصوصیات که ذکر شد، فیروزآبادی دارای خط خوشی هم بوده است، فاسی گوید: او زیبا می نوشت با این که تندنویس بود، و چون بادقت، چیز می نوشت خط او بسیار شیرین و عالی بود (۱۱۹).

### وفات فیروزآبادی

ابن حجر که شاگرد فیروزآبادی بوده است تاریخ وفات استاد خود را شب بیستم ماه شوال سال ۸۱۷ هـ ق ثبت نموده است. سخاوی که شاگرد ابن حجر بوده

است نیز همین قول را انتخاب نموده است (۱۲۰).  
 سیوطی متوفی ۹۱۱ هـ. ق وفات فیروزآبادی را شب بیستم شوال سال  
 ۸۱۶ هـ. ق نگاشته است (۱۲۱). و طاش کپری زاده متوفی ۹۶۸ هـ. ق وفات او را در  
 شب بیستم شوال سال ۸۱۶ یا ۸۱۷ هـ. ق نوشته (۱۲۲). و ادوارد فندیک درگذشت  
 فیروزآبادی را ۸۲۰ هـ. ق نوشته است (۱۲۳). که گویا سهوی باشد چون اکثر  
 مورخین به قول شاگرد فیروزآبادی و سخاوی بیشتر اعتماد کرده اند، چون در زمان  
 مؤلف می زیسته است.

از آن جا که تاریخ ولادت فیروزآبادی ۷۲۹ هـ. ق بوده و اصح اقوال در وفاتش  
 سال ۸۱۷ هـ. ق می باشد؛ بنابراین وی هشتاد و هشت سال عمر نموده است،  
 در حالی که به هنگام درگذشت هیچ یک از قوای او کاسته نشده و در زبید یمن  
 در مقبره شیخ اسماعیل جبرتی مدفون گردیده است. از او پسری موسوم  
 به سراج الدین یعقوب باقی ماند که پس از ادای مناسک حج به شیراز بازگشت و  
 در آن جا از مواعظ نیکو و نصایح سودمندش مردم را منتفع می ساخت تا در سال  
 ۸۴۲ هـ. ق در شیراز درگذشت و همان جا مدفون گردید (۱۲۴).

هنر اکنون همه در خاک طلب باید کردم چون که اندر دل خاکند همه پرهبران

### رتال جامع علوم انسانی

## يادداشتها

- ١- تاريخ الأدب العربي، تأليف كارل بروكلمان، ترجمه به عربي از دكتور عبدالحليم نجار. قاهره، دارالمعارف [١٩٧٤ م: ٢/٢٥٧].
- ٢- تاريخ التراث العربي، تأليف فؤاد سزگين. قم، مكتبة آية الله مرعشي، ١٤١٢ هـ ق: ١/٨: ٣٤٤.
- ٣- همان جا: ٣٤٦.
- ٤- بُغية الوعاة في طبقات اللغويين و النحاة، تأليف جلال الدين عبد الرحمان سيوطي شافعي، متوفى ٩١١ هـ ق. بيروت، دارالمعرفه، ابي تا: ١٦٩-١٧٠.
- ٥- رجال نجاشي، تأليف ابوالعباس احمد بن علي نجاشي اسدي كوفي متوفى ٤٥٠ هـ ق. قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١٦ هـ ق: ٩٧.
- ٦- فهرست ابن نديم، تأليف ابوالفرج محمد بن ابي يعقوب اسحاق معروف به ابن نديم متوفى ٣٨٠ هـ ق. تهران، اسدي، ١٣٥٠ شمسي: ١٧١.
- ٧- همان جا: ١٥٤.
- ٨- المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، تأليف ابي الفرج عبد الرحمان بن علي جوزي متوفى ٥٩٧ هـ ق. بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٢ هـ ق: ١٤/٣٧٥ به بعد؛ وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان. تأليف ابن خلكان، احمد بن محمد متوفى ٦٨١ هـ ق. قاهره، مكتبة النهضة، ١٣٦٧ هـ ق: ١/٢٠٦ ببعده.
- ٩- كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون، تأليف حاجي خليفه، مصطفي بن عبد الله، بغداد، مكتبة المثنى ابي تا: ١٦٢١/٢.
- ١٠- المزهري في علوم اللغة و انواعها، تأليف جلال الدين سيوطي، عبد الرحمان بن ابي بكر، متوفى ٩١١ هـ ق، قاهره، دار احياء الكتب العربيّة ابي تا: ١/٩٦.
- ١١- الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، تأليف شمس الدين محمد بن عبد الرحمان سخاوي متوفى ٩٠٢ هـ ق، بيروت، دار مكتبة الحياة: ١٠/٧٩.

- ۱۲- **إنباء العُمر بأنباء العُمر**، تألیف حافظ احمد بن علی بن حجر عسقلانی شافعی متوفی ۸۵۲ هـ ق، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیه، ۱۳۹۲ هـ ق: ۴۷/۳.
- ۱۳- **الضوء اللامع**: ۷۹/۱۰.
- ۱۴- **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، تألیف ابی الفلاح عبدالحی بن عماد حنبلی متوفی ۱۰۸۹ هـ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ابی تا: ۱۲۶/۷.
- ۱۵- **بغیة الوعاة**: ۱۱۷.
- ۱۶- **هدیة العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين**، تألیف اسماعیل پاشا بن محمد امین بابایی بغدادی، افسس، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۷ هـ ق: ۱۸۰/۲.
- ۱۷- **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، تألیف میرزا محمد باقر بن زین العابدین موسوی خوانساری متوفی ۱۳۱۳ هـ ق، تهران، اسماعیلیان: ۱۰۱/۸.
- ۱۸- **الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية**، تألیف طاش کپری زاده، احمد بن مصلح الدین مصطفی متوفی ۹۶۸ هـ ق، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۵ هـ ق: ۲۲.
- ۱۹- **اصطلاحات القاموس**، تألیف نصر بن یونس الهمدانی و فائی اشعری متوفی ۱۲۹۱ هـ ق. [مقدمه، قاموس فیروزآبادی]. قاهره، مؤسسه حلبی و شرکاء، ابی تا: ۳/۱.
- ۲۰- **الکنی و الألقاب**، تألیف حاج شیخ عباس بن محمد رضا قمی، متوفی ۱۳۵۹ هـ ق. نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۹ هـ ق: ۳۹/۳.
- ۲۱- **آثار العجم**، اثر سید محمد نصیر حسینی «فرصت الدوله» تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲ ش: ۱۲۵.
- ۲۲- **معجم البلدان**، تألیف یاقوت بن عبدالله متوفی ۶۲۶ هـ ق. بیروت، دار صادر، ابی تا: ۴۲۸/۴.
- ۲۳- **مسالك و ممالک**، تألیف اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد متوفی ۳۴۶ هـ ق، ترجمه فارسی قرن پنجم / ششم هجری. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش: ۱۰۰ و ۱۰۹ و ۱۱۱.
- ۲۴- **صورة الارض**، تألیف ابن حوقل، محمد بن حوقل بغدادی متوفی ۳۵۰ هـ ق. ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ ش: ۴۵ و ۵۴ و ۵۵ و ۴۱.

- ۲۵- آثار شهرهای باستانی، سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تألیف احمد اقتداری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ ش: ۹۱ و ۴۳۶ و ۵۷۰.
- ۲۶- إنباء العُمر بأنباء العُمر: ۴۷/۳.
- ۲۷- كشف الظنون: ۱۳/۲ - ۱۹۱۲.
- ۲۸- شیرازنامه، تألیف ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش: ۱۴۵. بعد.
- ۲۹- جستجو در تصوف ایران، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش: ۲۱۸.
- ۳۰- تحریر تاریخ و صّاف، تألیف شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی معروف به و صّاف الحضرة. تحریر عبدالمحمد آیتی. تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش: ۲۶۴ و تحریر دوم. تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ش: ۲۴۲.
- ۳۱- الضوء اللامع: ۸۰/۱۰ - ۷۹.
- ۳۲- الجاسوس علی القاموس، تألیف، احمد فارس افندی، قسطنطنیه، مطبعة الجوائب، ۱۲۹۹ هـ ق: ۱۲۹ و ۱۳۰.
- ۳۳- الضوء اللامع: ۸۰/۱۰.
- ۳۴- الذیل علی رفع الإصل - أو - بغیة العلما و الرواة، تألیف سخاوی، عبدالرحمن متوفی ۹۰۲ هـ ق: قاهره، دارالمصریة للتألیف و الترجمة [بنی تا]: ۷۸.
- ۳۵- المجد الفیروزآبادی و القاموس المحیط، عباس‌العزازی مجله مجمع‌العلمی العراقی، جلد ششم، ۱۳۷۸ هـ ق: ۲۹۹ و ۳۰۰.
- ۳۶- ذیل تذکرة الحفاظ، تألیف شمس‌الدین ذهبی، محمد بن علی دمشقی، بیروت، دار احیاء التراث: ۳۸۰.
- ۳۷- كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، تألیف حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله: ۳۵/۲ و ۱۳۳۴. قاهره، دار احیاء التراث العربی: ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵.
- ۳۸- هدیة العارفين: ۱۸۱/۲ - ۱۸۰؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۳۹- كشف الظنون: ۱۴/۱.

- ۴۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ كشف الظنون ۱۴/۱.
- ۴۱- إنباء العُمر بأنباء العُمر: ۴۸/۳؛ كشف الظنون: ۸۵/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛  
الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۴۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۴۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۴۴- هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ ايضاح المكنون: ۸۰/۱.
- ۴۵- هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ كشف الظنون: ۹۰/۱.
- ۴۶- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ايضاح المكنون: ۱۰۶/۱.
- ۴۷- مقدمه كتاب بصائر ذوى التمييز به نقل از كتاب العقد الثمين: ۲۳/۱؛  
الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛  
كشف الظنون: ۱۶۷/۱.
- ۴۸- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ كشف الظنون: ۱۴۹/۱.
- ۴۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ كشف الظنون: ۱۸۶/۱؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۵۰- تاريخ التراث العربى: ۳۸۲/۸؛ كشف الظنون: ۱۶۰۵/۲؛ الضوء اللامع:  
۸۲/۱۰.
- ۵۱- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۲۴۶/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۵۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۹۱/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۳- تاريخ التراث العربى: ۳۰/۸؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۲۵۲/۱؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۴- كشف الظنون: ۳۴۴/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۵- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۳۴۵/۱ و ۱۶۹۹/۲؛ هدية العارفين:  
۱۸۱/۲.
- ۵۶- مقدمه بصائر ذوى التمييز: ۲۴/۱؛ كشف الظنون: ۳۵۴/۱؛ هدية العارفين:

- ۱۸۱/۲؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ إنباء العُمر بانباء العُمر: ۴۹/۳.
- ۵۷- فهرست کتابهای چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون، سایر کشورها، پیشتر از سال ۱۳۴۰ هـ به بعد. تألیف خانبايامشار. تهران، ۱۳۴۴ ش: ۱۶۸ و ۹۶۸.
- ۵۸- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۳۷۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۹- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۵/۱؛ كشف الظنون: ۴۰۱/۱؛ فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی، آستان قدس رضوی، تألیف محمد آصف فکرت، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹: ۱۲۴.
- ۶۰- إنباء العُمر فی أبناء العُمر: ۴۶/۳؛ مقدمه ابوالوفاء هورینی بر قاموس: ۲۹/۱؛ كشف الظنون: ۴۰۵/۱ و ۵۳۷؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بغية الوعاة: ۱۱۸.
- ۶۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۴۲۵/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۶۲- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۵۰۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ فهرست کتابهای چاپی عربی: ۲۲۳.
- ۶۳- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۴- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۲/۱؛ كشف الظنون: ۵۱۹/۱؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶۵- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۵۹۳/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بغية الوعاة: ۱۱۸.
- ۶۶- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۶۲۴/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۱؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۷- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۳۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۸- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۳۶/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۵/۲.
- ۶۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۴۹/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ فهرس دارالکتب المصرية: ۱۳/۲؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۷۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۲۰/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.

بغية الوعاه: ۱۱۸. الاصحاح: ۱۱۸/۲؛ كشف الظنون: ۹۳۳/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛

۷۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۳۳/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
ريحانة الادب: ۳۶۷/۴.

۷۲- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ شذرات الذهب في اخبار من ذهب: ۱۲۸/۷؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴.

۷۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۹۱/۲؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۴/۱؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ معجم المطبوعات العربية و المعربة، تأليف يوسف الياس  
سركيس، قم، مكتبة آية الله مرعشي، ۱۴۱۰ هـ ق: ۱۴۷۰/۲.

۷۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به کوشش علی  
صدرایی خویی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش: ۴۳۸/۳۷.

۷۵- إنباء العُمر بانباء العمر: ۴۹/۳؛ الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ هدية العارفين:  
۱۸۱/۲؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۲/۱.

۷۶- فهرست کتابهای چاپی و عربی: ۵۸۹.

۷۷- شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۰۸۱/۲؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲، فهرس مخطوطات جامعة ام القرى، مكة مکرمه، جامعه،  
۱۴۰۷ هـ ق: ۱۸۶/۲؛ فهرست مجلس: ۷۰/۱۴.

۷۸- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ بغية الوعاه: ۱۱۸؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۲/۱؛  
كشف الظنون: ۱۱۶۵/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.

۷۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۰۱/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.

۸۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۶۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛

۸۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۸۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
روضات الجنات: ۱۳۰/۸.

۸۲- إنباء العُمر في إنباء العُمر: ۴۸/۳؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون:  
۱۳۰۶/۲ و...  
۸۳- المجد الفيروزآبادی و القاموس المحيط، تأليف عباس العزاوي، در مجلة

- مجمع العلمي العراقي، مجلد ششم (١٣٧٨ هـ ق): ٣٠٥ به بعد. ٨٢٢.
- ٨٤- الفيروزآبادي والقاموس، از دکتر حسين علي محفوظ، مجلة كلية الآداب -  
جامعة بغداد، بغداد، ١٩٦١: ١٩٩.
- ٨٥- مقدمة الصحاح، تأليف احمد عبدالغفور عطّار، بيروت، دارالعلم للملأين،  
١٣٩٩ هـ ق: ١٧٩-١٧٣.
- ٨٦- إنباء العُمر في إنباء العُمر: ٤٨/٣.
- ٨٧- مجلة كلية الآداب، جامعة بغداد: ١٩٩.
- ٨٨- الضوء اللامع: ٨٣/١٠.
- ٨٩- ترتيب القاموس على طريقة المصباح المنير و اساس البلاغه، تأليف استاد  
طاهر احمد زاوي، [قاهره]، عيسى البابي الحلبي، ١٣٧٨ هـ ق.
- ٩٠- الضوء اللامع: ٨١/١٠؛ بصائر ذوي التمييز: ٢٢/١؛ بغية الوعاة: ١١٨؛  
كشف الظنون: ١٤٨٠/٢؛ هدية العارفين: ١٨١/٢.
- ٩١- الضوء اللامع: ٨٢/١٠.
- ٩٢- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ إنباء العُمر بانباء العُمر: ٤٨/٣؛ كشف الظنون:  
١٥٣٦/٢؛ هدية العارفين: ١٨١/٢؛ بصائر ذوي التمييز: ٢٤/١.
- ٩٣- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٥٨٥/٢؛ هدية العارفين: ١٨١/٢؛  
شذرات الذهب: ١٢٨/٧.
- ٩٤- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ فهرس خزانه الازهر: ٢٠/٤؛ كشف الظنون:  
١٥٨٧/٢؛ تاريخ التراث العربي: ٩٨/٨.
- ٩٥- مجموعة مختارة لمخطوطات عربية نادرة من مكتبات عامه في المغرب،  
إعداد مركز الخدمات و الابحاث الثقافية، بيروت عالم الكتب، ١٤٠٧ هـ ق: ٥١/١؛  
الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٥٨٧/٢.
- ٩٦- فهرست سپهسالار: ٢٤٧/٢.
- ٩٧- كشف الظنون: ١٦٥٦/٢؛ هدية العارفين: ١٨١/٢.
- ٩٨- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٦٥٧/٢؛ شذرات الذهب: ١٢٨/٧.
- ٩٩- الضوء اللامع: ٨٣/١٠.

- ۱۰۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۳/۱؛ كشف الظنون: ۱۷۴۷/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۱- فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۱۰۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۱۸۰۶/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ انباء العُمر بانباء العُمر: ۴۸/۳؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۲/۱؛ كشف الظنون: ۵۵۰/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۴- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۲؛ كشف الظنون: ۱۸۸۵/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۵- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۱۹۳۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۶- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛ كشف الظنون: ۱۹۳۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۷- هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۸- كشف الظنون: ۱۴۸۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الأدب: ۳۶۷/۴.
- ۱۰۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ كشف الظنون: ۱۹۶۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۱۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۲۰۱۴/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۱۱- فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۱۱۲- الشقائق النعمانية: ۲۲.
- ۱۱۳- العقد الثمين، تأليف محمد بن احمد فاسی متوفی ۸۳۲ هـ ق تحقیق استاد فؤاد سیّد: ۳۹۸/۲؛ انباء العُمر: ۴۹/۳؛ بصائر ذوی التمییز: ۱۳/۱.
- ۱۱۴- انباء العُمر: ۵۰/۳؛ بغية الوعاه: ۱۱۸؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۴/۲.
- ۱۱۵- الشقائق النعمانية: ۲۲؛ الضوء اللامع: ۷۹/۱۰.
- ۱۱۶- انباء العُمر بانباء العُمر: ۴۹/۳.

